

## فصلنامه آفاق

سال نهم، شماره ۳۱ و ۳۲، بهار و تابستان ۱۳۹۵

### مقدمه‌ای بر

## عقلانیت اثباتی در اقتصاد اخلاقی

محمد داود محمدی

### چکیده

عقلانیت در علم اقتصاد، به عنوان یک پیش‌فرض برای رفتار عاملان اقتصادی در نظر گرفته می‌شود که در اصل از مبانی انسان‌شناسی پس از رنسانس و در عصر روشنگری به دست آمده است که باعث تفکیک در شناخت‌شناسی حوزه معرفتی موضوعات هنجاری و اثباتی شد. البته تفکیک حوزه دانش‌ها و ارزش‌ها و بایدها و نبایدها در علوم مختلف و در اقتصاد، تفکیک اقتصادی دستوری Normative Economic و اقتصاد اثباتی Positive Economic، نهایتاً موجب بی‌مهری بسیاری از باورهای ارزشی گشته و این دو جانب را از تعامل سازنده محروم ساخته است.

در حالی که اولاً؛ نظریات اقتصادی از جنبه‌های مختلفی از قبیل انتخاب موضوع، انتخاب فرضیات و متغیرها، انتخاب روش‌ها، انتخاب اهداف، از ارزش‌ها و باورهای انسان‌ها متأثر می‌گردد. ثانیاً؛ برخی مفاهیم موجود در ادبیات اقتصادی مثل سیاست‌گذاری و تحلیل قضاوت‌ها، انسان اقتصادی و... به نحو

بسیار محسوسی با ارزش‌ها پیوند خورده‌اند. ثالثاً؛ همچنین اندیشمندان اسلامی پا را فراتر نهاده و قائل به پیوستگی گزاره‌های دستوری اسلامی (احکام) با گزاره‌های اثباتی تحت عنوان مصلحت و مفسده ذاتی احکام شده‌اند.

لذا مسئله مقاله حاضر این است که جایگاه حقیقی عقلانیت فلسفی-اقتصادی مبتنی بر فضای پوزیتیویستی اثبات گرایانه در نظام اقتصاد اخلاق‌گرایانه مبتنی بر فضای هنجاری چیست و کنش ارتباطی مطلوب میان آن دو به چه نحو است؟ برای نیل به این منظور نخست بعد از ارائه تعاریفی از مفاهیم موجود نکاتی را در مورد ماهیت امور هنجاری و اثباتی بیان نموده و با این منظر عقلانیت را در اقتصاد متعارف و سپس اقتصاد اسلامی تحلیل می‌شود و در پایان مقاله به جمع‌بندی مباحث پرداخته می‌شود.

**واژگان کلیدی:** عقلانیت، اثباتی، هنجاری، اقتصاد اخلاقی، اقتصاد اسلامی.

#### مقدمه

دیر زمانی است که رسم جامعه علمی بر این بوده است که حوزه دانش‌ها و ارزش‌ها را از یکدیگر جدا سازد تا دانش پیراسته از داوری‌ها و انگاره‌های پیشینی و شخصی مقبولیت عام یافته، پیشرفت شتابان‌تری بیابد.

در اقتصاد هم مدت‌هاست که این تقسیم‌بندی، در قالب تفکیک اقتصاد اثباتی<sup>۱</sup> و اقتصاد دستوری<sup>۲</sup> یا علم و مکتب رخ نمایانده است. این تفکیک موجب گشته است تا بسیاری از باورهای ارزشی در قالب‌های نوین مورد بی‌مهری واقع گردند و این دو جانب جدای از هم حرکت کنند و از تعامل سازنده محروم گردند.

---

۱. Positive Economic

۲. Normative Economic



به این دو حوزه در این تحقیق با عنوان گزاره‌های اثباتی و دستوری پرداخته شده است. مقصود از گزاره‌های اثباتی هر جمله قابل صدق و کذب و ردّ و اثبات‌پذیر و ناظر بر واقعیت خارجی است. به عبارت دیگر گزاره‌های اثباتی حاکی از هست‌ها و نیست‌ها و آثار وضعی و گویای واقعیات خارجی است. در مقابل گزاره‌های دستوری از بایدها و نبایدها و ارزش‌ها حکایت می‌کند. در این راستا عقلانیت در علم اقتصاد، به عنوان یک پیش‌فرض برای رفتار عاملان اقتصادی در نظر گرفته می‌شود که در اصل از مبانی انسان‌شناسی پس از رنسانس و در عصر روشنگری به دست آمده است که باعث تفکیک در شناخت‌شناسی حوزه معرفتی موضوعات هنجاری و اثباتی شد. مبانی که انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، هستی‌شناسی، ارزش‌شناسی، معرفت‌شناسی و... متفاوت و خاص خود را دارد.

در اقتصاد متعارف هرچند عقلانیت به تعابیر مختلف و به شکل‌های گوناگونی تعریف شده است؛ اما در یک چارچوب فرضی، عقلانیت به صورت ابزاری برای توجیه تصمیم‌گیری در رقابت برخی از قرائت‌های اثباتی نظام اقتصاد سرمایه‌داری، مشکل نحوه تصمیم‌گیری عاملان اقتصادی را حل کرده است. این عده بر این باورند که ورود به مباحث هنجاری نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند بلکه باعث به هم خوردن تعادل و نظم طبیعی سیستم اقتصادی شده و اختلال آفرین است.

اما در اقتصاد اسلامی پذیرش عقلانیت جامع‌نگر اسلامی، این امکان را برای نظریه‌پرداز اقتصاد اسلامی فراهم می‌سازد تا خود را محصور در روش‌های تجربی و ریاضی نسازد؛ بلکه به تناسب موضوعات، از روش‌های گوناگون تحلیل اثباتی- هنجاری استفاده نماید و به ویژه اثرپذیری رفتار اقتصادی را از آموزه‌های دینی تبیین کند. همچنین آموزه‌های دینی نقش جامعه و اهمیت آن نسبت به منافع فردی و شخصی را از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌بیند. لذا

اقتصاد اسلامی با در نظر گرفتن این مهم با نگاهی جامعه نگر سعی در لحاظ نمودن عقلانیت اجتماعی متناسب با مبانی هنجاری دینی در نظام اقتصادی دارد. در این مقاله به بررسی پیوستگی و تنیدگی میان هنجارهای اقتصادی با اثبات‌های اقتصادی در راستای هدف کلی اقتصاد می‌پردازیم.

## تعاریف مفاهیم

### ۱- نظام اقتصادی

واژه نظام، به مفهوم خاص آن، سابقه‌ی بسیار ندارد. این واژه در سال‌های ۱۹۵۰ - ۱۹۵۰ میلادی با مطرح شدن تئوری عمومی نظام‌ها به وسیله‌ی برتالانفی، زیست‌شناس آلمانی، مفهوم خاص خود را یافت و بعدها با کاربرد این تئوری در رشته‌های مختلف علوم واژه‌هایی مانند نظام اقتصادی، نظام ارتباطات و نظام اطلاعات متداول شد.<sup>۳</sup> آلن بیرو در فرهنگ علوم اجتماعی ذیل واژه «نظام» آن را از ریشه لاتینی به معنای «گردآوردن» و «ترکیب کردن» می‌داند. وی دو کاربرد برای آن ذکر می‌کند، یکی در زمینه اندیشه‌ها و افکار و دیگری درباره پدیده‌های عینی و خارجی.<sup>۴</sup>

نظام در تئوری عمومی نظام‌ها به مجموعه‌ای از اجزای به هم وابسته گفته می‌شود که در راه نیل به هدف‌های معینی با هم هم‌آهنگی دارند.<sup>۵</sup>

لاژوژی در تعریف نظام اقتصادی می‌نویسد:

---

۳. داوود مدنی، مقدمه‌ای بر تئوریه‌های سازمان و مدیریت، چاپ چهارم، انتشارات دانشگاه نور؛ ۱۳۷۳، ص ۲۲۱. در پاورقی اسم بعد فامیل سپس بقیه مشخصات. ضمناً ذکر «انتشارات» لازم نیست تنها نوشته شود اگر نام انتشارات آورده شود کافی است.

۴. بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۰، ص ۴۱۸.

۵. چارلزوست چرچمن، نظریه‌ی سیستم‌ها، ترجمه رشید اصلانی، چاپ دوم، نشر مرکز مدیریت دولتی، ۱۳۶۹، ص ۲۶.



«مجموعه هماهنگ از نهادهای حقوقی و اجتماعی که در بطن آن، برخی وسایل فنی سازمان یافته معنی به پیروی از برخی انگیزه‌های برتر به منظور برقراری تعادل اقتصادی، مورد استفاده قرار گرفته است.»<sup>۶</sup>

منوچهر فرهنگ، نظام اقتصادی را عبارت می‌داند از:

«ماهیت زندگانی اقتصادی به عنوان یک کل (خواه واقعی باشد یا نظری)

مخصوصاً از لحاظ طرز تملک و استفاده از مالکیت و حدود دخالت دولت.»<sup>۷</sup>  
در کتاب نظام‌های اقتصادی نظام چنین تعریف شده است: مجموعه منظم عناصری است که میان آن‌ها روابطی وجود داشته باشد و یا بتواند ایجاد شود و دارای هدف یا منظور باشد.

**عناصر:** عناصر یک نظام اجزایی هستند که خود قابل تقسیم نباشند و یا علاقه‌ای به تقسیم آن‌ها وجود نداشته باشد. در صورت دوّم جزء خود یک زیرسیستم یا نظام فروتر است.

**روابط:** هر یک از فعالیت‌های اجزاء مستقل از یکدیگر نیستند و رفتار نظام در کل تابعی از رفتار عناصر آن است و پیچیدگی هر نظام با میزان پیوند میان آن نظام رابطه مستقیم دارد.

**نظم:** جای هر یک از عناصر نظام در مجموعه تعیین شده و کیفیت و میزان تأثیر آن مشخص است و بر اساس این نظم ساختار مجموعه شکل می‌گیرد. ساختار در یک نظام پویا به صورت خودآگاهانه در نظام‌های مصنوعی در جوامع بشری یا به صورت ناخودآگاهانه در یک نظام طبیعی قابل تغییر است.

**هدف یا منظور:** اگر مجموعه عناصر یک نظام در راستایی که به وسیله انسان در آن نظام تعبیه نشده است، سامان یابند در این صورت آن نظام دارای

---

۶. لائوژی، ژوزف، سیستم‌های اقتصادی، ترجمه: شجاع‌الدین ضیائیان، تهران: نشر رسانه،

۱۳۶۸ ص ۶.

۷. فرهنگ، منوچهر، فرهنگ علوم اقتصادی، تهران: نشر البرز، ۱۳۷۱ ص ۶۲۲.

هدف است. ولی منظور یک نظام در ارتباط با خارج و از دیدگاه انسان به وجود می‌آید.

سازگاری یا تعارض اهداف و منظورها: یک نظام می‌تواند دارای اهداف یا منظوره‌ای متعدد باشد. در این صورت ممکن است اهداف و منظورها با یکدیگر سازگار یا متضاد باشند.

اهداف زیر نظام‌ها باید زمینه‌ساز تحقق اهداف نظام فوقانی باشد.<sup>۸</sup>

## ۲- اقتصاد اثباتی

اقتصاد اثباتی به مطالعه آنچه هست و یا چگونگی حل واقعی مسائل اقتصادی مبتلابه هر جامعه‌ای می‌پردازد.<sup>۹</sup> (با حقایق قابل لمس و آنچه هست سروکار دارد).<sup>۱۰</sup> از این نظرگاه، کلیه مطالب اثباتی باید به شکلی درآیند که بر اساس شواهد تجربی آزمون‌پذیر باشند.<sup>۱۱</sup>

اقتصاد اثباتی، بررسی آن دسته از مقولات اقتصادی است که به طور اصولی بتوان از طریق مشاهدات و تجربیات واقعی و بدون قضاوت بر پایه ارزش‌های ذهنی<sup>۱۲</sup> صحت آن را اثبات کرد. اقتصاد اثباتی توصیفی بوده و وقایع اقتصادی را صرفاً توصیف می‌کند که می‌تواند شامل نتیجه‌گیری قطعی، مانند اینکه

---

۸. رک: میر معزی، سید حسن، نظام‌های اقتصادی، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۸، ص ۵-۱۰.  
۹. سالواتوره، دومینک؛ تئوری و مسائل اقتصاد خرد، حسن سبحانی، تهران، ۸۱، نشر نی، چاپ ۲۴، ص ۴۴.  
۱۰. گلرین، حسن؛ فرهنگ توصیفی لغات و اصطلاحات علوم اقتصادی، تهران، ۷۸، بانک مرکزی، ص ۴۱۱.  
۱۱. فرهنگ، منوچهر؛ فرهنگ علوم اقتصادی، تهران، ۷۹، پیکان، چاپ ۸، ص ۹۱۲.



«بیکاری خیلی زیاد است» و نتیجه‌گیری شرطی مانند اینکه اگر «اقتصاد وارد مرحله رونق شود، نرخ بیکاری کم می‌شود»، باشد.<sup>۱۳</sup>

### ۳- اقتصاد هنجاری

اقتصاد دستوری به مطالعه آنچه باید باشد یا درباره اینکه مسائل اقتصادی هر جامعه چگونه باید حل شود، می‌پردازد.<sup>۱۴</sup> و با احکام ارزشی سروکار دارد.<sup>۱۵</sup> اقتصاد دستوری از تحلیل و توصیف درمی‌گذرد و سیاست وضعی و قضاوت درباره مناسبت و اقتصادی اعمال را در برمی‌گیرد.<sup>۱۶</sup>

البته در عمل تفاوت گذاردن میان اقتصاد دستوری و اقتصاد اثباتی چندان ساده نیست؛ زیرا اقتصاددانانی که نتیجه‌گیری‌ها و عبارات توصیفی برای توصیف حالت خاصی از اقتصاد را ارائه می‌دهند، می‌توانند ادعا کنند که نتیجه‌گیری آن‌ها شرطی است (شرطی که شامل هم اقتصاد دستوری و هم اثباتی می‌شود) یعنی شکلی از نتیجه‌گیری توصیفی برای حل معضلی در اقتصاد (اقتصاد دستوری).<sup>۱۷</sup>

### پیشینه بحث

مسئله باید و هست در فلسفه اخلاق پس از ادعای گسست منطقی این دو از سوی دیوید هیوم در قرن هیجدهم و دوباره مطرح شدن آن از سوی ادوارد مور در اوایل قرن بیستم به بحثی پرچنگال تبدیل شد. شاید از لحاظی بتوان تاریخ این بحث را به همان زمان برگرداند. ولی در فلسفه اسلامی نیز برابر تقسیم ارسطویی بحث‌هایی وجود دارند که می‌توانند به گونه‌ای ریشه این بحث به شمار

---

۱۳. قره‌باغیان؛ مرتضی، فرهنگ اقتصاد و بازرگانی؛ تهران؛ ۷۶، رسا، چاپ دوم، ص ۶۱۷.

۱۴. سالواتوره، ص ۱۲.

۱۵. گلریز، حسن؛ ص ۳۶۱.

۱۶. فرهنگ؛ منوچهر، ص ۸۰۹.

۱۷. قره‌باغیان، مرتضی، ص ۶۱۷.

آیند. تقسیم فلسفه به حکمت نظری و عملی، بحث حسن و قبح عقلی، مشهورات منطقی و حتی مسئله جبر و اختیار را برخی سابقه این بحث دانسته‌اند.

مباحث مقاله ششم اصول فلسفه مرحوم علامه طباطبائی نیز نقطه عطفی در تاریخچه هست و باید و رابطه حقایق و اعتباریات (به ویژه در حوزه اندیشه اسلامی) به حساب می‌آید که ایشان مطالب جدیدی را در آن عنوان کرده‌اند.<sup>۱۸</sup>

در علم اقتصاد نیز بحث اقتصاد اثباتی و دستوری متعلق به قرن ۱۷ و از مبانی اصلی نظریه دست نامرئی و مکتب کمونیسیم اخذ شده است. اقتصاد دستوری در نظام برنامه‌ریزی شده (متمرکز) و اقتصاد اثباتی در اقتصاد بازار، نمود بیشتری دارند. نظام اقتصادی متأثر از عقاید اقتصادی، در گذشته به صورت سنتی و بر پایه دامداری و کشاورزی بود و از مؤلفه‌های مهم آن این بود که در آن تغییرات، جایگاهی نداشت. این نظام بسیار ابتدایی و ساده بود. با وجود آمدن دولت، نظام‌های سنتی به علت عدم کارایی منقرض گشت. به مرور زمان، نظام‌های اقتصادی یکی پس از دیگری درخسیده و غروب کردند؛ تا اینکه آدام اسمیت با نظریه دست نامرئی ظهور کرد. نظریه او اقتصاد بازار را پایه‌ریزی کرد. در اقتصاد بازار، بازار به صورت غیرمتمرکز به تنظیم روابط عرضه و تقاضا پرداخته و در شرایط رقابت کامل، وضعیت موجود را به طور خودکار تعدیل می‌نماید. در این نظام نیاز، باعث ایجاد تولید گشته و دست نامرئی بازار، خود، اوضاع را مرتب می‌نماید؛ به طوری که اگر تولیدکننده گران‌تر از قیمت بازار بفروشد، مصرف کننده با نخریدن، او را مجبور به ارزان فروختن می‌کند و برعکس. خود این مطلب سبب تخصص در تولید، تعیین قیمت توسط بازار و تصحیح رفتارهای غیراقتصادی در جامعه خواهد شد. این سیستم اعتقادی به دخالت دولت در بازار ندارد.

---

۱۸. جوادی، محسن، مسأله باید و هست، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۵، ص ۳۱.





از مهم‌ترین اشکالات نظریه اقتصاد باز، ناتوانی زیاد در عدم کارایی، بی‌عدالتی، عدم توجه بازار به بخش‌های عمومی چون پلیس، بهداشت، فضای سبز و ... است. این مسائل از نظر بازار، اقتصادی محسوب نمی‌شوند. نظریه دست نامرئی هم که قدرت بیشتری به اقتصاد بازار داده بود، در بحران‌های بزرگ، از لحاظ اعتبار ضربه بزرگ‌تری خورد.

در مقابل اقتصاد باز (بازار)، اقتصاد برنامه‌ریزی شده و یا متمرکز قرار دارد. اقتصادی مبتنی بر برنامه‌ریزی مرکزی عبارت است از تخصیص منابع توسط دولت‌ها؛ که در کشورهای کمونیستی مانند شوروی سابق، عملی بود. اقتصاد متمرکز، نمونه‌ای از دستور مطلق در اقتصاد است. اقتصاد متمرکز یعنی اینکه دولت مشخص می‌کند، چه چیزی را چه کسی باید تولید کند. تا دهه ۱۹۸۰ میلادی موفقیت‌های زیادی برای چین و شوروی که اقتصاد متمرکزی را اداره می‌کردند، حاصل شد؛ اما با شکست شوروی سابق استفاده از اقتصاد برنامه‌ریزی شده به طور مطلق، شکست خورد. علل اصلی استفاده مطلق از اقتصاد برنامه‌ریزی شده مربوط به دریافت حوادث و وقایع اقتصادی و ارتباط علی و معلولی این نظام بود که به ناتوانی در ایجاد، سازمان‌دهی، کنترل کیفیت، ایجاد انگیزه و ناتوانی در حفظ محیط زیست منجر می‌شد. امروزه اثبات این ناتوانی‌ها منجر شد که تمام کشورها، نظامی مختلط از اقتصاد باز و برنامه‌ریزی شده را اجرا می‌کنند.<sup>۱۹</sup>

### عقلانیت اثباتی در اقتصاد متعارف

در ابتدا عقلانیت علم اقتصاد با رویکرد غالب هنجاری، در دامن فلسفه اخلاق<sup>۲۰</sup> رشد کرد و سرانجام به‌صورت یکی از علوم اخلاقی درآمد؛ اما در مقطع تاریخی خاص، جریان غالب علم اقتصاد از علوم اخلاقی و در پی آن از خود اخلاقیات

---

۱۹. لیپسی، ریچارد و جی هاربری، کالین؛ اصول علم اقتصاد، ارشاد فکری (ترجمه و تألیف)، مشهد، نیکا، ۷۸، چاپ اول، ص ۴۴.

جدا می‌گردد. این جدایی از دغدغه‌های اخلاقی جزء سنت علم اقتصاد نبوده است و در طی قرن اخیر به وقوع پیوسته است

با توجه به این که علم اقتصاد زاده قرن هفدهم توسط آدام اسمیت است و ویژگی‌های عمده آن معلول تفکرات رنسانس و مابعد آن است، دو علت برای جدایی علم اقتصاد از دغدغه‌های اخلاقی می‌توان برشمرد. نخست اینکه با دستیابی علوم طبیعی به موفقیت‌های چشمگیر، اقتصاددانان از روی تقلید بر آن شدند تا با به کار بستن روش‌های علوم طبیعی - که ریاضیات را نیز در برمی‌گرفت - در پدیده‌های اقتصادی، به چنان موفقیت‌هایی دست یابند. دوم اینکه علم اقتصاد - که در قالب‌های خودساخته جریان یافته بود - به سوی اثبات‌گرایی گرایش یافت، که خود هرگونه مسئله اخلاقی را از دایره علم خارج کرده بود. شرح این نکات به تفصیل در ذیل خواهد آمد.

اگر چه بیشتر صاحب‌نظران مدعی‌اند که علم اقتصاد جدید توسط اسمیت و کتاب تأثیرگذار او، ثروت ملل، بنیان‌گذاری شده است، در واقع باید گفت این تفسیری است که علاقه‌مندان اقتصاد اثباتی از آراء اسمیت عرضه می‌کنند و او را مبدع اقتصاد جدید برمی‌شمارند. حال آنکه دقت‌ها و بازکاوی‌های جدید در آثار اسمیت نشان می‌دهد نگرشی که وی به دانش اقتصاد داشته است با تعاریفی که امروزه از اقتصاد می‌شود بسیار متفاوت است.

امروزه در میان اقتصاددانان جریان غالب، این دیدگاه بسیار رایجی است که علم اقتصاد فاقد هر گونه فلسفه اخلاقی، دینی و ایدئولوژیک است. یکی از صاحب‌نظران درباره نقش فلسفه اخلاق در اقتصاد متعارف اظهار کرده است:

«علمی‌سازی» علم اقتصاد، منجر به انفصال اقتصاد از مبادی اخلاقی خود گشته است و «اقتصاد غالب» قرن بیستم تماماً این انفصال را پذیرفته است. نظریه اقتصادی به مثابه «علمی اثباتی» تلقی می‌گردد که وظیفه آن تحلیل و توضیح سازوکار فرآیندهای اقتصادی است و ارزش‌گذاری‌های اخلاقی (گزاره‌های



بایدی) هر چقدر هم که حائز اهمیت باشند نباید بخشی از برنامه پژوهشی اقتصاددانان را تشکیل دهد.<sup>۲۱</sup>

به طرز مشابه، یکی از صاحب‌نظران متأخر درباره نقش اثبات‌گرایی در اقتصاد گفته است:

امروز اکثر اقتصاددانان بر این نکته اتفاق دارند که ادعای یک نظریه اقتصادی فارغ از ارزش‌ها برای بنیان نهادن ماهیتی علمی برای این رشته، امری کاملاً ضروری است. یک علم اقتصاد اثباتی فارغ از ارزش، به این معنا که متکی بر هیچ مجموعه خاصی از قضاوت‌های ارزشی یا هیچ چارچوبه فلسفی و روان‌شناختی نباشد، عمدتاً ایدئال و مطلوب تلقی می‌شود.

این رویکرد به شدت بر شاخه‌های مهم علم اقتصاد از قبیل نظریه اقتصاد خرد تأثیرگذار بوده است.<sup>۲۲</sup>

علم اقتصاد جدید بر مسائلی همچون محاسبه عقلایی، اهداف مادی دست‌پایین‌تر و بی‌طرفی علمی در موضوعات اخلاقی تأکید می‌ورزد؛ اما این معیارها به سادگی می‌تواند با چیزهای دیگری اشتباه شود.

دیوید کریپس، یکی از اساتید سرشناس اقتصاد خرد می‌گوید: مجموعه کوچکی از فروض - آزمندی، عقلانیت حسابگرانه، تعادل و ... - تقریباً در تمام شاخه‌های اقتصاد، به عنوان فروض استاندارد و معیار اتخاذ شده است. با این اوصاف افتادن در دام فرض «حرص و آزمندی» به هیچ روی دشوار نیست.

اثر اخلاقی ترویج این دیدگاه بر رفتار دانشجویان اقتصاد چیست؟ بدین منظور و برای بررسی اینکه آیا عموماً افراد - در مجموعه‌ای خاص از موقعیت‌ها

---

۲۱. Alvey, ۱۹۹۹ Alvey, James E. "A Short History of Economics As a Moral Science", Journal of Markets and Morality, ۷۲ n ۱, Spring ۱۹۹۹.

۲۲. Drakopoulos, ۱۹۹۷: p.۲۸۶.

- بیشتر تمایل به همکاری دارند یا درصد «سواری مجانی»<sup>۲۳</sup> هستند، آزمایش‌هایی صورت گرفته است. در یک مطالعه مشاهده شد که عموم افراد به طور کلی دارای روحیه جمعی و حس همکاری‌اند به جز گروهی از دانشجویان سال اول کارشناسی اقتصاد که کمک بسیار کمتری به گروه می‌کردند و مفهوم انصاف برایشان کاملاً بیگانه بود. تمایل به گرفتن «سواری مجانی» در میان دانشجویان اقتصاد بسیار بیشتر از گروه‌های دیگری بود که مورد آزمایش قرار گرفتند. هاسمن و مک‌فرسون در همین مطالعه می‌افزایند: «چنین به نظر می‌رسد که آموزش اقتصاد مردم را خودخواه‌تر می‌کند»<sup>۲۴</sup>. دیگران نیز در مطالعاتی جداگانه و جدیدتر ملاحظه کردند که دانشجویان اقتصاد برخلاف دیگران متمایل‌اند بر اساس الگوی نفع شخصی عقلانی عمل کنند و به این نتیجه رسیدند که «اختلاف در میزان گرایش به همکاری تا حدودی ناشی از آموزش‌هایی است که در دروس اقتصاد داده می‌شود»<sup>۲۵</sup>. لذا ایشان در نهایت به اقتصاددانان توجیه می‌کنند که در آموزش خود بر طیف گسترده‌تری از انگیزش‌های انسانی - نسبت به صرف نفع شخصی عقلایی - تأکید ورزند. با پرورش انسان‌هایی خودخواه و فاقد حس همکاری می‌توان ادعا کرد که جدایی واقعی میان اقتصاد و اخلاق وجود داشته و این جدایی مستند به شواهد است.<sup>۲۶</sup>

---

۲۳. «سواری مجانی»، کمک نکردن فرد به تهیه یک کالای عمومی است هرچند وی نیز بهره می‌برد. فرضیه «سواری مجانی» مبتنی بر این ادعاست که در چنین شرایطی، کمک کردن به صورت داوطلبانه امری غیرعقلانی است.

۲۴. Hausman, ۱۹۹۳: p.۶۷۴ - Hausman, D.M. and McPherson, M.S. 'Taking Ethics Seriously: Economics and Contemporary Moral Philosophy', Journal of Economic Literature, Vol. ۳۱, No. ۲, ۱۹۹۳.

۲۵. Frank, Gilovich and Regan, ۱۹۹۶: p.۱۷۰

۲۶. نعمتی. علی، تأثیر گزاره‌های مبتنی بر فلسفه اخلاق بر تئوری و تحلیل اقتصادی، پایان‌نامه، دانشگاه امام صادق ع. ص ۶۳.



اصلی‌ترین دیدگاه‌های فلسفی مؤثر بر تغییر صورت مسئله از هنجاری به اثباتی عبارت است از: عقل‌گرایی، فردگرایی، لذت‌جویی، انسان‌گرایی، طبیعت‌گرایی، مطلوبیت‌گرایی و آزادی همراه با روح کلی مادی‌گرایی.

از پس این مفاهیم، در ذهن نظریه‌پردازان اقتصادی، انسانی تجسم شد که بعدها انسان اقتصادی یا انسان عقلانی نامیده شد.<sup>۲۷</sup> چارچوب عقلانیت در اقتصاد کلاسیک خیلی روشن نبود، اما برای اولین بار ناسوسینیور، چهار اصل اساسی را به عنوان پایه‌های اقتصاد مطرح کرد که اصل اول آن کسب حداکثر ثروت و مطلوبیت با صرف کمترین امکانات بود.<sup>۲۸</sup> به مرور، این مفهوم به پی‌جویی نفع شخصی تکامل یافت و محور عقلانیت ابزاری شد. نفع شخصی به عنوان محرک اصلی در فعالیت‌های اقتصادی معرفی شد و عقلانیت، پی‌جویی این نفع تلقی شد. فرایند مذکور به گونه‌ای شکل گرفت که آن را به عنوان یک قانون تلقی کردند و گاهی نیز به آن تقدس بخشیدند.<sup>۲۹</sup>

به نقل از هابز آمده است: «فقط ملاحظه منافع شخصی می‌تواند انگیزه رفتار آدمی باشد. حتی اگر عقل و منطق، کوتاه‌بینی او را در این اعمال نشان دهند و آدمی درک کند که بهترین راه تأمین منافع شخصی، همکاری و تعاون با هموعان

---

۲۷. ر.ک: بلاگ، مارک، روش‌شناسی علم اقتصاد؛ ترجمه غلامرضا آزاد؛ تهران: نشر نی، ۱۳۸۰. ص ۳۰۸.

۲۸. شومپیتز، جوزف، تاریخ تحلیل اقتصادی، ترجمه فریدون فاطمی؛ تهران: نشر مرکز، ص ۹۷-۲۶۳؛ و ژید شارل و ژیسٹ شارل، تاریخ عقاید اقتصادی؛ دو جلد، ترجمه کریم سنجابی؛ تهران: دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۰، ص ۶۰-۵۵۹.

۲۹. ر.ک: ژید، شارل و ژیسٹ، شارل، تاریخ عقاید اقتصادی؛ دو جلد، ترجمه کریم سنجابی؛ تهران: دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۰، ص ۹-۵۶۸؛ و بلاگ، مارک، روش‌شناسی علم اقتصاد؛ ترجمه غلامرضا آزاد؛ تهران: نشر نی، ۱۳۸۰، ص ۳۰۸ و غنی‌نژاد، موسی، مقدمه‌ای بر معرفت‌شناسی علم اقتصاد؛ تهران: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، ۱۳۷۶، ص ۷۱-۶۲.

است، باز هم برای او فایده‌ای نخواهد داشت؛ زیرا عقل انسان در تحلیل نهایی، بنده و خدمتگزار شهوات او است. پس تنها وظیفه‌اش جستجوی عواملی است که بتوانند شهوات او را ارضا کنند و در خدمت انسان قرار گیرند.» بر این اساس در اقتصاد، به شیوه پارادایم مسلط، فلسفه عقلانیت با مفهوم پی‌جویی منافع شخصی (نوع ابزاری) گره خورده است. این مفهوم در اقتصاد مورد اقبال شدید قرار گرفت.<sup>۳۰</sup>

### عقلانیت اخلاقی در اقتصاد اسلامی

یکی از لوازم نظریه‌پردازی در علوم و از جمله اقتصاد، تدوین پیش‌فرض‌های مربوط به نظریه‌های آن است. این پیش‌فرض‌ها می‌توانند از راه‌های مختلف وضع یا استخراج شده باشند؛ از جمله می‌توانند از مبانی فلسفی و اعتقادی ناشی شده باشند. در علم اقتصاد عقلانیت به عنوان یک پیش‌فرض اساسی برای رفتار عواملان اقتصادی در نظر گرفته می‌شود. در عین حال در قرائت‌های مختلف علم اقتصاد، مفاهیم متفاوتی از عقلانیت مورد نظر است.

در اصل، مفاهیم ابزاری این پیش‌فرض از مبانی انسان‌شناسی فرهنگ حاکم در چند قرن اخیر - به‌ویژه قرن هفدهم - به دست آمده است. این مبنا به‌طور صریح در نظریه رفتار مصرف‌کننده و رفتار بنگاه و به‌طور ضمنی در بسیاری از نظریه‌های اقتصادی نهفته است.

در عین حال، عقلانیت به عنوان یک پیش‌فرض اساسی برای ارائه نظریه درباره رفتار اقتصادی و در تکامل ادبیات اقتصادی، سهم جدی و شایانی داشته است. عقلانیت به تعبیر مختلف به شکل‌های گوناگونی تعریف شده است. در یک چارچوب فرضی، عقلانیت به صورت ابزاری برای توجیه تصمیم‌گیری

---

۳۰. برخی اقتصاددانان (غیر نئوکلاسیک) مانند سوسیالیست‌ها نهادگرایان و حتی کینزینها، نظریه‌های خود را بر عقلانیت ابزاری استوار نمی‌دانند.



در نظریه‌پردازی‌های علمی، مشکل نحوه تصمیم‌گیری عاملان اقتصادی (مورد نظر برخی قرائت‌های سرمایه‌داری) را حل کرده است. به بیان دیگر، مفهوم خاص عقلانیت ابزاری - در مقابل عقلانیت غیر ابزاری - مبنای اغلب نظریه‌های اقتصاد نئوکلاسیک است و مکاتب دیگر، بیشتر مبنای غیر ابزاری را به کار می‌برند. لذا اغلب اندیشمندان اقتصاد اسلامی در بررسی‌های خود از عقلانیت با مفهوم سنتی، انتقاداتی می‌کنند.

با وجود این اغلب چارچوب‌های ارائه شده آن‌ها برای عقلانیت نیز قابل تأمل و نقد است. با این حال لازم است مشکل فقدان ابزار تصمیم‌گیری مناسب و قابل توجیه برای تصمیم‌گیران اقتصادی در سطح خرد (عاملان اقتصادی) در مباحث اقتصاد اسلامی حل شود. برای حل این مشکل باید درصدد ارائه مفهومی مناسب از عقلانیت باشیم. این مقاله کوششی در انجام این مهم است. به این منظور، ابتدا مبنا و مفهوم عقلانیت در اقتصاد و سپس دیدگاه‌های اقتصاددانان مسلمان در این زمینه را مرور می‌کنیم. در ادامه تلاش می‌کنیم مفهوم مناسب عقلانیت را مطابق دیدگاه اسلامی ارائه کنیم. در این راستا ابتدا جایگاه اثبات و هنجار نظام هستی‌شناختی اسلام به صورت عام سپس مسئله هنجار و حقوق اقتصادی به صورت خاص‌تر و در نهایت مقوله عقلانیت و اخلاق را در رهیافت اقتصاد مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

### جایگاه اثبات و هنجار در نظام هستی‌شناختی اسلام

از منظر مبانی فلسفی هستی‌شناسی؛ نظام هستی دارای دو ساحت تکوین و تشریح است. ساحت تکوینی آن است که خداوند متعال در قرآن کریم اولاً عالم هستی را به عنوان «نظام احسن» خلق کرده است. ثانیاً؛ شخصاً مسئول استمرار ربوبیت و فیض الهی در جریان اداره امور هستی است. ساحت تشریحی آن است که حسب آموزه‌های دینی در تعامل و تجانس با حیث تکوینی است.

ساحت تشریحی نظام هستی را باید از دو سو فهم کرد: نخست قوس صعودی آن است که به شارع مقدس مربوط می‌شود و ساحت آن، ساحت «امر و نهی» است و دوم، قوس نزولی آن است که به مخلوقات مکلف (انس و جن) مربوط می‌شود و ساحت آن، ساحت «اطاعت و امتثال» است.

از طرفی نیز قیّم بودن دین اسلام در قرآن کریم به مفهوم هماهنگی نظام تشریح آن با نظام تکوین است. نمونه‌هایی از این هماهنگی در احکام روزمره مسلمانان مشهود است. به عنوان مثال؛ می‌توان به قصر شدن نماز مسافر، به تأخیر افتادن وجوب روزه انسان مسافر و مریض، نگاه میسور به انسان ذی عسر و... که در آن‌ها احکام دینی، مناسب با شرایط تکوینی فعلی‌ای که انسان مکلف دارد، جعل شده است اشاره کرد.

بهترین شرایط برای هماهنگ کردن نظام تکوین و تشریح آنگاه صورت می‌گیرد که مدیریت ساحت تشریح در قوس نزول یعنی مدیریت ساحت اجتماع بشری در دست کسی باشد که به رموز تکوین و تشریح بیش‌ترین آگاهی را داشته باشد؛ یعنی انسان کامل. از همین روست که خداوند متعال برای این منظور، در هر عصری، کامل‌ترین انسان آن عصر را به عنوان راهنمای اجتماع انسانی برگزیده تا با در دست گرفتن مدیریت اجتماع بشری، بهترین زیست‌گاه (دنیا) را برای آن‌ها فراهم کند. فراهم شدن بهترین زیست‌گاه، البته خود به معنی مهیا شدن بهترین آخرت نیز است؛ چرا که «دنیا مزرعه آخرت است» و بی‌شک، کشت‌گاه آباد، نتایج و خرمی بابرکت را نتیجه می‌دهد.<sup>۳۱</sup> پس شما مراقب عمل خودتان در اینجا باشید. حتی قرآن تعبیری دارد که عده‌ای این تعبیر را حمل بر هیچ‌گونه مجاز گویی نمی‌کنند و عین حقیقت می‌دانند. تعبیر این است که قرآن

---

۳۱. حدیث نبوی، کنوز الحقایق، مناوی، باب دال





می‌گوید: «آنچه که شما در این دنیا عمل می‌کنید، (عمل شما) پیش فرستاده شما به دنیای دیگر است.»<sup>۳۲</sup>

فلسفه ارسال رسل و انزال شرایع توسط خداوند متعال، پیوند شایسته نظام تکوین و تشریح بوده است. گو این که انسان بدون مدد از رسولان الهی و بدون تمسک به قوانین شرایع آسمانی خود قادر به این پیوند نبوده است. خداوند متعال، از دو سو، امکان این پیوند را فراهم کرده است: از یک سو، انسان را مجهز به منبع معرفتی به نام عقل کرده تا قادر به درک کلیت دو نظام تکوین و تشریح باشد و از سوی دیگر، به او قوانین شریعت را عطا کرده تا پیوند میان دو نظام مذکور را در جزئی‌ترین لایه‌هایش مقدور سازد.<sup>۳۳</sup>

با این بیان؛ عقل از دیدگاه اسلام دارای دامنه وسیع و قلمرو گسترده‌ای است. لذا عقل توانایی کشف بسیاری از رموز و اسرار هستی را دارد و پایه و اساس پذیرش همه شناخت‌های تجربی است. عقل نیرویی است که اگر مواد و مصالح لازم را در اختیار داشته باشد، قادر خواهد بود تا درباره آن‌ها به داوری بنشیند و استنتاج‌های تازه‌ای به عمل آورد. این مواد و مصالح از هر راهی که برای عقل یقین آور باشد، می‌تواند به دست آید. این راه می‌تواند حس، احکام عقلی محض یا آموزه‌های وحیانی باشد؛ بنابراین، از نظر اسلام، تعاملی منطقی میان عقل و وحی برقرار است.<sup>۳۴</sup> رابطه عقل و شریعت از مهم‌ترین دغدغه‌های انسانی در طول تاریخ بوده است. تجربه تاریخی بشر گواه است که هرگاه این دو منبع معرفت در کنار یکدیگر و در تعامل با هم به مدیریت اجتماع

۳۲. حشر/ ۱۸ و نباء/ ۴۰

۳۳. فیاض، ابراهیم، نگاهی به جایگاه عقل و عقلانیت در دولت و حکومت اسلامی/دولت عقلانی- پگاه حوزه، ۱۳۸۸، ش ۲۶۵.

۳۴. جوادی آملی، شریعت در آیین معرفت، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۷۳، صص

بشری پرداخته‌اند، تاریخی بانشاط و پویا رقم زده و هرگاه در تعارض و تضاد با یکدیگر قرار گرفته‌اند، هم جوامع انسانی و هم خود را تباه کرده‌اند.<sup>۳۵</sup> این تعامل، حکمت نظری انسان را بارور می‌سازد، حکمت عملی او را ریشه‌دار می‌گرداند، عقلانیت عینی و تجربی او را بر شالوده‌ای استوار بنا می‌نهد، عقلانیت ابزاری را در شاهراه سعادت واقعی انسان هدایت می‌کند و پیوند استوار و ارتباط دقیق میان عقلانیت ابزار و عقلانیت هدف را معنا می‌بخشد.

### اقتصاد هنجاری و حقوق اقتصادی

حقوق اقتصادی در اصطلاح عبارت است از بخشی از ادبیات حقوقی که در حوزه مسائل اقتصادی است؛ همچون حقوق شرکت‌ها<sup>۳۶</sup>، حقوق مالکیت معنوی و غیره. طبیعی است که این قسم به طور قطع داخل در مقوله اقتصاد هنجاری است؛ اما همه گستره آن را پوشش نمی‌دهد. در یک تقسیم‌بندی‌ای گزاره‌های هنجاری از یک حیث به دو دسته ارزشی<sup>۳۷</sup> در دایره اخلاق اقتصادی<sup>۳۸</sup> و دستوری<sup>۳۹</sup> در دایره حقوق اقتصادی تقسیم می‌شود.

از آنجایی که بنا بر تعریف حضرت امام خمینی (ره) فقه برنامه آسمانی است برای زندگی بشر روی زمین خاکی یا به تعبیر دقیق‌تر فقه تئوری اداره انسان در دنیا است.<sup>۴۰</sup> لذا از گستردگی و عمومیت زیادی برخوردار است. این عمومیت در

---

۳۵. نگاهی به جایگاه عقل و عقلانیت در دولت و حکومت اسلامی، همان.

۳۶. Corporation Law

۳۷. value judgements

۳۸. Business Ethics

۳۹. prescriptive propositions

۴۰. ورعی، جواد، اندیشه‌های فقهی امام خمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ص



هر چند علاوه بر حیطة حلال و حرام‌ها در مستحبات و مکروهات نیز ورود پیدا کرده‌اند؛ اما مراد ما از مباحث اخلاقی در اینجا نه به معنای «مربوط به علم ناظر به حالات و ملکات نفسانی» بلکه به معنای اموری است که فاقد الزام قانونی (و شرعی) است. در آثار مختلف فقه اسلامی؛ احکام واجب و مستحب به نحو انفکاک‌ناپذیری به هم آمیخته‌اند. با این اوصاف می‌توانیم فقه اقتصادی اسلام یا فقه الاقتصاد را همان اقتصاد هنجاری اسلام بدانیم.

همچنین است که اقتصاددان بزرگ اسلامی شهید صدر (ره) نیز اقتصاد اسلامی را بیش از آنکه علم اقتصاد بدانند به بعد اخلاقی - هنجاری اقتصاد توجه می‌نماید و اقتصاد اسلامی را به زبان عربی «مذهب<sup>۴۱</sup> اقتصادی اسلام» تعریف می‌کند نیز چیزی جز اقتصاد هنجاری اسلام نیست.

این به معنای آن نیست که گزاره‌ها و احکام هنجاری اسلام فاقد تلویحات علمی و اثباتی<sup>۴۲</sup> است؛ و اصولاً چنین امکان‌ناپذیر است. بدیهی است که هر گزاره هنجاری مبتنی بر مجموعه‌ای از گزاره‌های اثباتی است؛ و اینکه اسلام ربا را تحریم کرده است طبق اعتقاد کلامی امامیه که احکام تابع مصالح و مفاسدند مبتنی بر مجموعه‌ای از گزاره‌های اثباتی است که ما هنوز به آن دست نیافته‌ایم؛ اما این به معنای این نیست که ما علمی مجزا به نام علم اقتصاد اسلامی داریم. چرا که دغدغه اصلی و اولی شریعت پرداختن به مسائل علمی و نظری نیست. در عین حال الگوهای هنجاری اسلام در موضوعات گوناگون می‌تواند سرخ‌های بسیار مفیدی برای محققان و دانشمندان چه در اقتصاد و دیگر علوم انسانی، چه در پزشکی و چه در غیر این‌ها فراهم کند.

---

۴۱. مذهب در زبان عربی به معنای طریقه و روش است.

اشاره شهید صدر (ره) به مفهوم عدالت در تعاریف و تعابیر مختلف خود از مذهب اقتصادی، مؤید دیگری بر برداشت ما از نظریه ایشان است.<sup>۴۳</sup>

### عقلانیت و اخلاق

یکی از نقاط عطف نظام اقتصادی اسلام وجود رابطه بین عقلانیت اثباتی و اخلاق هنجاری است. توضیح آنکه؛ اگر عقلانیت اسلامی را به سه سطح (عقلانیت معرفتی، عقلانیت ابزاری و عقلانیت اخلاقی) دسته‌بندی کنیم، عقلانیت غربی از سه حوزه فوق تنها به سومی اکتفا کرده است و به همین علت ما آن را عقلانیتی ناقص و ناتوان از تفسیر جهان و انسان و حیات می‌دانیم.<sup>۴۴</sup>

۱- **عقلانیت معرفتی (عقلانیت در مقیاس کلی):** شناخت فلسفه حیات و موقعیت حساس و استثنایی انسان در آن و شأن و جلالت «عقل» در تنظیم رابطه انسان با جهان و با خدای متعال، این سطح و مرحله عقلانیت به «حکمت» و یا «عقلانیت بنیادین» نیز تعبیر شده است که البته بالاتر از سطح تجربه و علوم حسی است و عمدتاً به معارف عقلی و شهودی مستند است (اگرچه از تجربیات نیز بهره می‌برد) اما با «فلسفه مصطلح» نیز تفاوت دارد.

این عقلانیت به ویژه در موضوعاتی چون جهان‌بینی، الهیات و انسان‌شناختی و... متمرکز است و مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین سطح عقلانیت و در واقع، شروع و بستر هر گونه تفکر دیگر (از جمله عقل ابزاری) است. بسیاری از آیات و روایات در باب عقل، علم، تفکر، تفقه، فهم، شعور، معرفت و... اشاره به همین هسته عقلانیت دارند و ایمان اسلامی را ناشی از معرفت توأم با عقلانیت می‌دانند.

---

۴۳. نعمتی، علی، تأثیر گزاره‌های مبتنی بر فلسفه اخلاق بر تئوری و تحلیل اقتصادی، پایان‌نامه دانشگاه امام صادق ع.

۴۴. رحیم‌پور ازغدی، حسن، عقلانیت، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۸،



(برخلاف تفکر کلیسایی و نیز تعریف لیبرالی که هر دو در جدایی «ایمان و دین» از «عقل و علم و معرفت» اتفاق نظر دارند)<sup>۴۵</sup>

۲- **عقلانیت ابزاری:** مهندسی و اندازه‌گیری و نظم و پیش‌بینی و نقش عقل در محاسبات معیشتی جهت نیل به اقتصادی شکوفا و تمدنی آباد و مرفه. عقل ابزاری در طول عقل بنیادین است و به حد اعلام شده و اعلام نشده از محتویات نظری آن تغذیه می‌کند. در توسعه و تمدن اسلامی، عقلانیت ابزاری، مسبوق و مصبوغ به «عقلانیت بنیادین» است و تمامی تصمیم‌ها و کنش‌های (اقتصادی و سیاسی) آدمی، باید به نحوی در عقلانیت بنیادین نیز توجیه داشته باشد.<sup>۴۶</sup>

این سطح از عقلانیت عادی‌ترین سطح عقلانیت است که بی‌شک لازم اما غیر کافی است. این سطح از عقلانیت قشری دیگر از «عقل عملی» است که از معیشت خانوادگی تا اقتصاد ملی و نیز مسئله مدیریت و (سیاست مدن) را در برمی‌گیرد. مراد اصلی جامعه شناسان غربی و تئوری پردازان «توسعه» از «عقل و عقلانیت» که از آن به «عقلانیت ابزاری» و... تعبیر کرده‌اند، صرفاً همین است.

۳- **عقلانیت اخلاقی (عقلانیت و ارزش‌ها):** شأن «عقل» در تنظیم رابطه انسان و معماری اخلاقیات. در تفکر اسلامی ما با سطحی دیگر از عقلانیت نیز مواجهیم که ضمن رسمیت دادن به لذائد و منافع آدمی، دعوت به نوعی تعادل در ملاحظات ناظر به «دنیا- آخرت» کرده و به ابعاد وسیع‌تر از «خود» و «سود» توجه می‌دهد.

در تفکر اسلامی دستگاه «هزینه- فایده» به قوت خود باقی است با این تفاوت که دقیق‌تر، کلان‌تر و جامع‌تر می‌شود؛ زیرا «سود و ضرر» یک موجود جاودانه که دارای روح الهی و اختیار و مسئولیت باشد با سود و ضرر یک «فنونم» مادی

---

۴۵. رحیم‌پور ازغدی، حسن، عقلانیت، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ص

۱۱۳.

۴۶. همان، ص ۱۱۲.

و بدن طبیعی که تمامی محاسباتش را باید معطوف به دوره‌ای حداکثر به مقدار چند دهه کند، لزوماً و همواره یکی نیست بلکه احتمالاً متضاد نیز خواهند بود.<sup>۴۷</sup>

### نتیجه‌گیری

در اقتصاد عقلانیت، ابزار تصمیم‌گیری انسان برای رفتارهای اقتصادی - در چارچوب خاص - تلقی می‌شود. رفتار مطابق این چارچوب را رفتار عقلانی و مبنای این رفتار را عقلانیت می‌نامند. بر اساس اصل عقلانیت، محور تصمیم‌گیری عقلانی، پی‌جویی نفع شخصی است. در قرائت اقتصاد غالب - بر مبنای فلسفه لذت و درد - از نفع تفسیر مادی می‌شود. با گسترش این مفهوم، نفع، ابعاد غیرمادی را نیز شامل شد، اما در نگرش اقتصاد متعارف غرب (ارتدکس نئوکلاسیک)، معیار تصمیم‌گیری فقط نفع زندگی کنونی و مادی دنیوی است.<sup>۴۸</sup> بر این اساس است که در برخی از پارادایم‌های اقتصاد سنتی پی‌جویی نفع شخصی صرف، ویژگی ذاتی انسان تلقی می‌شود و برخی آن را از دیدگاه اسلام مردود می‌دانند. چون انسان به‌طور ذاتی خودخواه و دارای حب ذات است به دنبال هر چیزی خواهد رفت که به این ذات ارتقا ببخشد. پس پی‌جویی منحصر به فرد منافع شخصی مادی، نمی‌تواند خصلت ذاتی انسان باشد.

بر این اساس است که در دیدگاه اقتصاددانان چنان ارتباط رفتار با عقلانیت شدید تلقی شد که دانشمندان سایر شاخه‌های علوم اجتماعی (همچون، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، روانشناسی و ...) نمی‌توانستند آن را بپذیرند. این امر در عمل موجب جدایی بین اقتصاددانان به عنوان طرفداران عقلانیت ابزاری و

---

۴۷. همان، ص ۱۱۹.

۴۸. دادگر، یدالله و عزتی مرتضی، عقلانیت در اقتصاد اسلامی، پژوهش‌های رشد و توسعه

پایدار، شماره ۹، ص ۱۸.



اندیشمندان سایر شاخه‌های علوم اجتماعی به عنوان مخالفان آن شد. بعدها نیز حتی برخی اقتصاددانان نیز آن را نپذیرفتند.<sup>۴۹</sup>

هرچند ظاهراً اغلب اقتصاددانان مسلمان و نیز فلاسفه اسلامی که اصل ذاتی بودن نفع طلبی شخصی را پذیرفته‌اند، اما در واقع تأکید آن‌ها بر نقش عقلانیت در تصمیم‌گیری است؛ زیرا در آثار آنان عقلانیت اسلامی را متفاوت از عقلانیت اقتصاد متعارف سنتی دانسته شده است. حتی برخی از نویسندگان مسلمان به استناد اینکه عقلانیت می‌تواند مفاهیم مختلفی داشته باشد، عقلانیت خاصی را به عنوان عقلانیت اسلامی مطرح می‌کنند و آن را به عنوان جایگزین تعریف‌های دیگر می‌دانند. ایشان نوع ابزاری عقلانیت اقتصادی را از جوانب خاصی زیر سؤال برده‌اند:<sup>۵۰</sup>

برخی عقلانیت در اقتصاد متعارف را با ارزش‌های اسلامی ناسازگار می‌دانند، از این رو آن را مردود می‌شمارند.<sup>۵۱</sup>

بعضی این عقلانیت را مبتنی بر فلسفه سرمایه‌داری می‌دانند و بر این اساس آن را قابل پذیرش نمی‌دانند.<sup>۵۲</sup>

برخی عقلانیت اقتصاد متعارف را دربرگیرنده هنجارها و ایده آل‌های اسلامی ندانسته‌اند و قابل دفاع نمی‌دانند.<sup>۵۳</sup>

---

۴۹. رک: شومپیتر، ۸۱-۵۷۳۱، ۸۴۱- لیتل، ۴۰۱، ۳۷۳۱، ۸۹- وینچ، ۲۷۳۱، ۹۸-۵۶ و سن ۷۷۳۱.

۵۰. رک: دادگر، یاد... و عزتی، مرتضی، عقلانیت در اقتصاد اسلامی، پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار، شماره ۹. ص ۱۹. همچنین؛ حسینی کوهساری، سید مفید، روش‌شناسی مطالعات اقتصاد اسلامی با تأکید بر مطالعات قرآنی، مجله قرآن و علم شماره ۴.

۵۱. شهید صدر، محمدباقر، اقتصادنا، المجمع العلمی للشهید الصدر، قم، ۱۴۰۸ هـ ق. ۳۳۳ - ۳۳۰.

۵۲. کھف، منذر (۱۳۵۷)، مقدمه‌ای بر اقتصاد اسلامی؛ مترجم عباس عرب مازار؛ تهران: سازمان برنامه و بودجه، ص ۱۷.



دیدگاه دیگری به دلیل رد ملاک نفع شخصی صرف در اسلام، عقلانیت ابزاری را مردود می‌داند.<sup>۵۴</sup>

با وجود تفاوت‌های مفهومی بین عقل و توانمندی آن با فهم اندیشمندان غربی اما مفاهیم غیر ابزاری عقلانیت (عقلانیت اخلاقی) با رویکردی اسلامی پذیرفته شده است. چرا که عقل، یکی از وسایل طبیعی انسان برای شناخت و تصمیم‌گیری است که بازوی اصلی عقلانیت است. عقل، توانایی‌های مختلفی از جمله تشخیص خیر از شر، خوبی از بدی و مفید از مضر را دارد. انسان نه تنها در امور مختلف، بلکه در تصمیم‌گیری‌های مربوط به منافع شخصی خود نیز از عقل استفاده می‌کند. این توانایی، تنها بخشی از قابلیت‌های عقل است و انسان سایر قابلیت‌ها را در جایگاه‌های خود بهره‌برداری می‌کند. قوای دیگر انسان نیز می‌توانند در راه تشخیص ارزش‌ها به انسان کمک کنند.

بر این اساس و با توجه به بررسی‌های انجام شده، به نظر ما چارچوب مفهومی و مصادیق اجرایی که می‌تواند درباره عقلانیت با اسلام و نیز فطریات انسان منطبق باشد به صورت ذیل قابل ارائه است.

عقل وسیله‌ای است که انسان با استفاده از آن می‌تواند خیر را از شر و مفید را از نامفید تمیز دهد و انسان از این قابلیت عقل برای تصمیم‌گیری در رفتارهایش استفاده کند. علاوه بر عقل، قوای دیگر انسان نیز می‌توانند در این تشخیص به او کمک کنند.

---

۵۳. Syed Agil; Syed Omar (۱۹۹۲) Rationality in Economic Theory; Readings in Microeconomics: An Islamic Perspective; Malaysia; Longman, P.P. ۳۱-۴۸.

۵۴. صدیقی، محمد نجات الله و دیگران (۱۳۷۵)، مباحثی در اقتصاد خرد: نگرش اسلامی؛ ترجمه حسین صادقی؛ تهران: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.





انسان (از جمله انسان مسلمان) در رفتارهایش به دنبال کسب رضایت خاطر بیشتر است و رضایت خاطر بیشتر را بر رضایت خاطر کمتر ترجیح می‌دهد. این امر مطابق فطرت انسانی است.

بنابراین، عقلانیت به معنای همراهی ابزار و اهداف با اسلام سازگاری دارد، ولی به معنای صرف ابزاری با معنای اسلامی سازگار نیست. همچنین مفهوم نفع شخصی همراه با عقلانیت تعدیل یافته که در بعضی نوشته‌های اقتصاددانان مسلمان و غیرمسلمان مشاهده می‌شود سازگار است؛ که این نوع نگرش به عقلانیت ابزاری؛ حداقل نگرش اسلامی با نگرش‌های غیر اسلامی (به ویژه پارادایم ارتدکس نئوکلاسیک) قلمداد می‌شود.

به عبارت دیگر با توجه به محوریت اخلاق در نظام اقتصاد اسلامی و همراهی عقلانیت با وحی، تعدیل معنای عقلانیت با خداخواهی، نوع‌دوستی، اجتماع دوستی، آخرت دوستی، معنویت دوستی و نظیر این‌ها و عدم تطبیق آن با فرد محوری و انسان کامل بدون وحی، می‌تواند عقلانیت را با مفاهیم اسلامی سازگار کند.

به‌طور کلی اقتصاددانان مسلمان، عقلانیت را پذیرفته‌اند، اما جای مفهوم عقلانیت اخلاقی در پارادایم اصلی اقتصاد سنتی را خالی دانسته و بر نقش آن در تعیین مسیر حقیقی اقتصاد تأکید کرده‌اند. به بیان دیگر از این منظر، ورود هنجار نه تنها نظم عقلایی سیستم اقتصادی را به هم نمی‌زند، بلکه استلزام عقلی ایجاب می‌کند که هنجار به مثابه اثبات ورود در تثبیت تعادل نظام و سیستم اقتصادی نماید. همچنین مراجعه به قرآن نشان می‌دهد که اسلام در حوزه اقتصاد فقط به بیان گزاره‌های دستوری بسنده نکرده و بارها به گزاره‌های اقتصادی اثباتی اشاره نموده است و هست‌ها و واقعیت‌های اقتصادی را نیز در کنار بایدها مد نظر قرار داده است.



به طور کلی می‌توان گفت که اقتصاد اسلامی با مفاهیم عقلانیت اخلاقی آن سازگاری بیشتری دارد. التزام به عقلانیت تعدیل یافته (و سوق دادن آن به سوی عقلانیت غیر ابزاری و اخلاقی) و تأکید بر نفع شخصی گسترش یافته (که در این مفهوم، نفع اعم از عناصر مادی، دنیایی و کوتاه مدت تلقی می‌شود) باعث شده است ادعا شود که عقلانیت مورد نظر در اقتصاد اسلامی، شکنندگی عقلانیت در مفاهیم ارتدکس را ندارد. مطالعات انجام شده در پیوند امور هنجاری و اخلاقی با امور اقتصادی، بیشتر این نتیجه را تأیید می‌کند.<sup>۵۵</sup> برخی از این مطالعات برخلاف مفهوم ارتدکس، انسان را عروسک خیمه‌شب‌بازی عقلانیت ابزاری تلقی نمی‌کنند و نقش سرمایه‌های اجتماعی چون عدالت، صداقت، اعتماد متقابل و نظیر این‌ها را در کارسازی بیشتر اقتصاد سنتی و برای معنا بخشی مضاعف عقلانیت سنتی، بسیار اساسی می‌دانند. شایسته است در اینجا به سخن آمارتیا سن، برنده افتخارآفرین جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۹۸، اشاره کرد که: «ماهیت علم اقتصاد به واسطه فاصله‌ای که میان اقتصاد و اخلاق پدید آمده است، دچار فقر بنیادی شده است».<sup>۵۶</sup> به نظر می‌رسد آمارتیا سن برخلاف سنتی که از زمان مارشال مرسوم شده است، به این اعتقاد دارد که اقتصاد می‌تواند هم‌زمان یک دانش ریاضی و اخلاقی باشد.

پایان سخن آنکه التزام به ابعاد اقتصادهای دینی (به‌طورکلی) و اقتصاد اسلامی (به طور خاص) می‌تواند به کارآمدی و پایداری بیشتر بعضی از نگرش‌های اقتصادی متعارف کمک کند. در نتیجه عقلانیت از منظر اقتصاد

---

۵۵. سن، آمارتیا، اخلاق و اقتصاد، ترجمه حسن فشارکی، تهران: شیرازه، ۱۳۷۷، ص ۱۳۴.

۵۶. همان.



اسلامی ضمن داشتن نقاط مشترک با بسیاری از قرائت‌های اقتصاد سنتی با مفهوم عقلانیت ابزاری تمایز اساسی دارد.<sup>۵۷</sup>

## منابع

### قرآن کریم

- ۱- اسمیت، آدام (۱۳۵۷)، *ثروت ملل*، ترجمه سیروس ابراهیم‌زاده، تهران: پیام.
- ۲- بلاگ، مارک (۱۳۸۰)، *روشن‌شناسی علم اقتصاد*؛ ترجمه غلامرضا آزاد؛ تهران: نشر نی.
- ۳- بیرو، آلن (۱۳۷۰)، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
- ۴- حسینی کوهساری، سید مفید، *روشن‌شناسی مطالعات اقتصاد اسلامی با تأکید بر مطالعات قرآنی*، مجله قرآن و علم شماره ۴.
- ۵- جوادی، محسن (۱۳۷۵)، *مسئله باید و هست*، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، قم.
- ۶- جوادی، آملی (۱۳۷۳)، *شریعت در آیین معرفت*، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- ۷- چارلزوست، چرچمن (۱۳۶۹)، *نظریه سیستم‌ها*، ترجمه رشید اصلانی، چاپ دوّم، نشر مرکز مدیریت دولتی.
- ۸- دادگر، یدالله و عزتی، مرتضی، *عقلانیت در اقتصاد اسلامی*، پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار، شماره ۹.
- ۹- رایبسون، جون (۱۳۵۸)، *فلسفه اقتصادی*، ترجمه بایزید مردوخی، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- ۱۰- رحیم‌پور ازغدی، حسن (۱۳۷۸)، *عقلانیت*، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

---

۵۷. دادگر، یدالله و عزتی، مرتضی، *عقلانیت در اقتصاد اسلامی*، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۹ و ۱۰.



- ۱۱- ژید، شارل و ژیست، شارل (۱۳۷۰)، *تاریخ عقاید اقتصادی*، دو جلد، ترجمه کریم سنجابی؛ دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- ۱۲- سالواتوره، دومینک (۱۳۸۱)، *تئوری وسائل اقتصاد خرد*، حسن سبحانی، تهران، نشر نی، چاپ ۲۴.
- ۱۳- سن، آمارتیا (۱۳۷۷)، *اخلاق و اقتصاد*، ترجمه حسن فشارکی، تهران: شیرازه.
- ۱۴- شومپیتر، جوزف (۱۳۷۷)، *تاریخ تحلیل اقتصادی*، دو جلد، ترجمه فریدون فاطمی؛ تهران: نشر مرکز.
- ۱۵- صدر، محمدباقر (۱۴۰۸ هـ ق)، *اقتصادنا*، المجمع العلمی للشهید الصدر، قم.
- ۱۶- صدیقی، محمد نجات الله و دیگران (۱۳۷۵)، *مباحثی در اقتصاد خرد: نگرش اسلامی*، ترجمه حسین صادقی؛ تهران: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۷- غنی‌نژاد، موسی (۱۳۷۶)، *مقدمه‌ای بر معرفت‌شناسی علم اقتصاد*، تهران: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.
- ۱۸- فرانکنا، ویلیام کی (۱۳۷۶)، *فلسفه اخلاق*، ترجمه هادی صادقی. قم: مؤسسه فرهنگی طه.
- ۱۹- فرهنگ، منوچهر (۱۳۷۹)، *فرهنگ علوم اقتصادی*، تهران، پیکان، چاپ ۸.
- ۲۰- فیاض، ابراهیم (۱۳۸۸)، *نگاهی به جایگاه عقل و عقلانیت در دولت و حکومت اسلامی/ دولت عقلانی*، پگاه حوزه، ش ۲۶۵.
- ۲۱- قره‌باغیان، مرتضی (۱۳۷۶)، *فرهنگ اقتصاد و بازرگانی*؛ تهران، رسا، چاپ دوم.
- ۲۲- کهمف، منذر (۱۳۵۷)، *مقدمه‌ای بر اقتصاد اسلامی*، مترجم عباس عرب مازار؛ تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- ۲۳- گلریز، حسن (۱۳۷۸)، *فرهنگ توصیفی لغات و اصطلاحات علوم اقتصادی*، تهران، بانک مرکزی.
- ۲۴- لاژوژی، ژوزف (۱۳۶۸)، *سیستمهای اقتصادی*، ترجمه: شجاع‌الدین ضیائیان، تهران: نشر رسانه.



- ۲۵- لیپسی، ریچارد و جی هاربری، کالین (۱۳۷۸)، *اصول علم اقتصاد*، ارشاد فکری (ترجمه و تألیف)، مشهد، نیکا، چاپ اول.
- ۲۶- مدنی، داوود (۱۳۷۳)، *مقدمه‌ای بر تئوریهای سازمان و مدیریت*، چاپ چهارم، انتشارات دانشگاه نور.
- ۲۷- میر معزی، سید حسن (۱۳۸۸)، *نظام‌های اقتصادی*، انتشارات کانون اندیشه جوان.
- ۲۸- نعمتی. علی (۱۳۸۶)، *تأثیر گزاره‌های مبتنی بر فلسفه اخلاق بر تئوری و تحلیل اقتصادی*، پایان‌نامه، دانشگاه امام صادق ع.
- ۲۹- ورعی جواد، *اندیشه‌های فقهی امام خمینی*، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۹.
- ۳۰- هولمز، رابرت ال (۱۳۸۲)، *مبانی فلسفه اخلاق*، ترجمه مسعود علیا. تهران: انتشارات ققنوس.
- ۳۱- Alvey, James E. "A Short History of Economics As a Moral Science", *Journal of Markets and Morality*, v۲ n ۱, Spring ۱۹۹۹.
- ۳۲- Hausman, D.M. and McPherson, M.S. ۱۹۹۳: p.۶۷۴ -Hausman, D.M. and McPherson, M.S. 'Taking Ethics Seriously: Economics and Contemporary Moral Philosophy', *Journal of Economic Literature*, Vol. ۳۱, No. ۲, ۱۹۹۳.
- ۳۳- Syed Agil; Syed Omar (۱۹۹۲) *Rationality in Economic Theory; Readings*.